

رابطه‌ی سبک‌های فرزند پروری ادراک شده و هوش هیجانی با سازگاری اجتماعی در دانش‌آموزان پسر

شهنام ابوالقاسمی*: استادیار دانشگاه آزاد اسلامی واحد تنکابن، dr_shahnam_abolghasemi@yahoo.com

چکیده

مقدمه: هدف از پژوهش بررسی رابطه سبک‌های فرزندپروری ادراک شده و هوش هیجانی با سازگاری اجتماعی دانش‌آموزان پسر سال سوم مقطع متوسطه منطقه دو شهر تهران می‌باشد.

روش: پژوهش حاضر از نوع همبستگی است. جامعه آماری این پژوهش کلیه دانش‌آموزان پسر سال سوم مقطع متوسطه منطقه دو شهر تهران می‌باشد. برای انتخاب نمونه از طریق روش نمونه‌گیری تصادفی ۲۳۰ نفر انتخاب شدند و با استفاده از پرسشنامه‌های فرزندپروری ادراک شده با مریند، هوش هیجانی بار-ان و سازگاری اجتماعی بل، داده‌های لازم جمع‌آوری شد. و از روش همبستگی پیرسون و رگرسیون به روش گام به گام برای تجزیه و تحلیل داده‌ها استفاده گردید.

نتایج: یافته‌های به دست آمده نشان داد که بین بعد اقتدار منطقی با سازگاری اجتماعی رابطه (همبستگی مثبت) وجود دارد همچنین بین بعد آزادگذاری و سازگاری اجتماعی رابطه (همبستگی مثبت) وجود دارد. بین سبک استبدادی و سازگاری اجتماعی رابطه وجود دارد و اما این همبستگی منفی است. همچنین بین متغیر هوش هیجانی و سازگاری اجتماعی نیز رابطه وجود دارد. این همبستگی مثبت است.

بحث و نتیجه‌گیری: بر اساس نتایج پژوهش می‌توان نتیجه گرفت افرادی که والدین خود را با اقتدار منطقی درک می‌کنند از سطح سازگاری اجتماعی بالاتری برخوردارند و این سبک در مقابل دو سبک دیگر (استبدادی و سهل‌انگارانه) بدون شک باعث بالارفتن سازگاری اجتماعی در فرزندان می‌شود. همچنین افراد دارای سطح هوش هیجانی بالا، از روابط بهتری در جامعه برخوردارند و سلامت روانی بیشتری را دارا هستند. بنابراین توانایی افراد در برقراری ارتباط درست و سازگاری آن‌ها در اجتماع باهوش هیجانی آنان همبستگی مثبت دارد.

واژگان کلیدی

فرزندپروری ادراک شده

آزادگذاری

اقتدار منطقی

استبدادی

هوش هیجانی

سازگاری اجتماعی

* نویسنده مسئول

نوع مطالعه: پژوهشی

تاریخ دریافت: ۱۳۹۴/۰۳/۱۰

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۴/۰۴/۲۶

شهنام ابوالقاسمی. رابطه‌ی سبک‌های فرزند پروری ادراک شده و هوش هیجانی با سازگاری اجتماعی در دانش‌آموزان پسر. فصلنامه مددکاری اجتماعی، ۱۳۹۴؛ ۴ (۲): ۲۶-۱۷

نحوه استناد به مقاله:

The Relationship Between Perceived Parenting Styles and Emotional Intelligence and Social Adjustment in Male Students

Shahnam Abolqasemi*: Assistant Professor of Islamic Azad University of Tonekabon, dr_shahnam_abolqasemi@yahoo.com

Abstract

Introduction: The aim of this study was to investigate the relationship between perceived parenting styles and emotional intelligence and social adjustment of students in secondary schools in the region 2 of Tehran.

Methodology: This study is a correlation. The target population included all male students in high school students of region two, Tehran. 230 persons were selected through random sampling. Inventory responded with perceived parenting, emotional intelligence and social adjustment bar bell, data were collected. Pearson correlation coefficient and step-wise regression was used to analyze the data.

Results: The results obtained showed that there is a relationship between the power of rational social adjustment and this is a positive correlation. Between the permissiveness and social adjustment and that there is a positive correlation. Between the authoritarian and social adjustment and that there is a negative correlation. The next variable is the emotional and social adjustment and that there is a positive correlation.

Conclusions: Based on the results, it can be reasonably concluded that people who perceive their parents with the authority of a higher level of social adjustment. This style against two other styles (authoritarian and permissive) increases the children's social adjustment. People with high emotional intelligence, better relationships with the people and more mental health. So the ability of people to communicate properly and catch them with their emotional intelligence community has a positive correlation.

Keywords

Perceived Parenting

Permissiveness

Rational authority

Autocratic

Emotional Intelligence

Social Adjustment

*Corresponding Author
Study Type: Case study
Received: 31 May 2015
Accepted: 17 Jul 2015

Please cite this article as follows:

Abolqasemi S. The Relationship Between Perceived Parenting Styles and Emotional Intelligence and Social Adjustment in Male Students. Quarterly journal of social work. 2015; 4 (2); 17-26

مقدمه

روابط بین کودکان و والدین و سایر اعضای خانواده را می‌توان به عنوان نظام یا شبکه‌ای از بخش‌هایی دانست که در کنش متقابل با یکدیگرند. نظام خانواده در مجموعه‌ای از نظام‌های بزرگتر قرار گرفته است، محله، جامعه و جامعه گسترده‌تر. این نظام به طور مستقیم یا غیرمستقیم از طریق روش‌های مختلف تربیت کودک، در کودکان تأثیر می‌گذارد. محله و خرده فرهنگی که هر یک از این کودکان در آن زندگی می‌کنند در تجارب و اعتقادات آنان در مورد ظاهر افراد، اعتقادات و ارزش‌های آنان و نیز در مقدار آزادی که والدین به آن‌ها می‌دهند تأثیر می‌گذارد. رابطه فرزند و والدین همچنان که این دو با یکدیگر کنش متقابل دارند رشد می‌کند. رفتار فرزندان هم مانند رفتار و نگرش‌های والدین به این کنش متقابل کمک می‌کند.

یکی از راه‌های پی‌بردن به نفوذ متقابل والدین و فرزندان این است که در نظر داشته باشیم که والدین برای رفتارهای قابل قبول محدودیت‌هایی قائلند. وقتی که کودک از این محدودیت‌ها بالاتر رود والدین سعی می‌کنند که رفتارش را تغییر دهند. والدین از اینکه فرزندشان چگونه باید باشد یا چه آگاهی‌هایی داشته باشد کدام ارزش‌های اخلاقی و معیارهای رفتاری را باید در فرایند رشد بیاموزد آشکارا یا تلویحاً تصویری آرمانی دارند. والدین برای سوق دادن کودک خود به سوی این اهداف، راهبردهای بسیاری را می‌آزمایند. کودک را تنبیه یا تقویت می‌کنند خودشان را سرمشق کودک قرار می‌دهند، اعتقادات و انتظارات خود را توضیح می‌دهند و سعی می‌کنند همسالان و دوستانی برای کودک خود برگزینند که با این ارزش‌ها و اهداف هماهنگی داشته باشد (ماسن و دیگران، ۱۳۷۷، ص ۴۴۳).

هوش هیجانی به عنوان توانایی مدیریت هیجان‌ها و احساسات، نقش مهمی در زندگی و موفقیت افراد دارد و در سال‌های اخیر هوش هیجانی به دلیل کاربردهای متعددی که در زمینه‌های مختلف از قبیل آموزش، مشاغل، رشد فردی، تفاوت‌های بین فردی داشته است محبوبیت روزافزونی پیدا کرده است. (بار-ان ۱۹۹۶؛ الیاس، تویاس و فریدلندر ۱۹۹۱؛ گلن ۱۹۹۵؛ سارنی ۱۹۹۷؛ گلن ۱۹۹۸؛ زنیس، تراویس و فرپون ۱۹۷۷).

هوش هیجانی به عنوان توانایی بازبینی احساسات و هیجانات خود و دیگران، تمایز قائل شدن میان آن‌ها و استفاده از این اطلاعات برای هدایت افکار و اعمال تعریف می‌شود (مایر و سالووی، ۱۹۹۰). در واقع هوش هیجانی آگاهی از هیجان‌ها و چگونگی اثرگذاری این آگاهی در روابط بین فردی را نشان می‌دهد و از سوی دیگر نماینده میزان خودداری از تشخیص و ارزیابی و ابراز هیجان به نحوی صحیح و سازگارانه می‌باشد (لوسین، ۲۰۰۶).

اجتماعی شدن یک فرایند دو جانبه ارتباطی بین فرد و جامعه است به همین دلیل فرایندی پیچیده به شمار می‌آید که ابعاد گوناگونی دارد. کسب مهارت‌های اجتماعی، چگونگی ارتباط با سایر افراد و سازگاری اجتماعی، از این جمله ابعاد هستند. عوامل متعددی در سازگاری فردی و اجتماعی افراد نقش دارند که نظریه‌ها و دیدگاه‌های مختلف تربیتی-روانشناختی بر آن‌ها تأکید کرده‌اند هر چند که برای شناسایی عوامل مرتبط با سازگاری اجتماعی تلاش‌های نظری و تجربی زیادی صورت گرفته است اما این تلاش‌ها بیشتر متوجه جمعیت عمومی بوده است تا اقشار خاصی از جامعه (خدایاری فرد و همکاران، ۱۳۸۶) و به‌ویژه دانش آموزان.

روش

بمنظور تعیین ارتباط بین سبک فرزند پروری ادراک شده، هوش هیجانی و سازگاری اجتماعی و نیز آزمون فرضیه‌های پژوهش از طرح پژوهش همبستگی استفاده شده است. تحقیق همبستگی بدنبال بررسی رابطه بین دو یا چند متغیر است. در واقع می‌توان گفت وقتی محقق دو یا چند دسته اطلاعات مختلف را از یک گروه در اختیار داشته باشد و بخواهد میزان تغییرات یک یا چند عامل را بررسی کند که در اثر تغییرات یک یا چند عامل دیگر بوجود آمده از روش تحقیق همبستگی استفاده می‌کند. (خلعتبری، ۱۳۸۳)

در این پژوهش از ضریب همبستگی پیرسون استفاده شده است. مفروضه‌های بنیادی همبستگی پیرسون عبارتند از

اینکه:

- توزیع هر دو متغیر نرمال باشد.
- پراکندگی نمرات در هر دو متغیر یکسان باشد.
- توزیع خطی باشد.

- مقیاس متغیرها حداقل فاصله‌ای باشد.

در این تحقیق متغیرهای زیر مورد بررسی قرار می‌گیرد:

الف) متغیرهای پیش بین: متغیرهای مستقل اول شیوه‌های فرزند پروری ادراک شده (آزاد گذاری، استبدادی، اقتدار منطقی).

متغیر مستقل دوم (هوش هیجانی).

ب) متغیر ملاک: متغیر وابسته سازگاری اجتماعی است.

جامعه آماری این پژوهش را کلیه ی (۵۴۰ نفر) دانش آموزان پسر که در سال تحصیلی ۹۴ - ۹۳ در پایه ی سوم مقطع متوسطه دبیرستان های آموزش و پرورش منطقه ی ۲ شهر تهران مشغول به تحصیل بودند تشکیل داده است. برای انتخاب نمونه نیز از روش نمونه‌گیری تصادفی ساده چند مرحله‌ای استفاده شد. بدین صورت که ابتدا از بین کلیه دبیرستان های پسرانه منطقه دو شهر تهران (در مجموع هشت دبیرستان)، ۴ دبیرستان بصورت تصادفی انتخاب شد. سپس از بین ۱۲ کلاس موجود در مدارس مذکور ۸ کلاس به روش تصادفی انتخاب گردید و در نهایت از مجموع ۸ کلاس ۲۳۰ دانش آموز بعنوان نمونه پژوهش انتخاب شدند.

ابزار گردآوری اطلاعات: برای جمع‌آوری اطلاعات از سه پرسشنامه به شرح ذیل استفاده شده است.

- پرسشنامه شیوه‌های فرزند پروری بامریند.
- پرسشنامه هوش هیجانی بار-آن.
- پرسشنامه سازگاری اجتماعی بل.

پرسشنامه شیوه‌های فرزند پروری: این ابزار اکتباسی است از نظریه اقتدار والدین که بر اساس نظریه «بامریند» از سه الگوی آزاد گذاری، استبدادی و اقتدار منطقی والدین بمنظور بررسی الگوهای نفوذ و شیوه‌های فرزند پروری ساخته شده است. این پرسشنامه دارای ۳۰ ماده است که ۱۰ ماده آن به شیوه آزاد گذاری مطلق، ۱۰ ماده به شیوه استبدادی و ۱۰ ماده دیگر به شیوه اقتدار منطقی والدین در امر پرورش فرزند مربوط می‌شود.

این پرسشنامه توسط اسفندیاری (۱۳۷۴) و بینم (۱۳۷۹) مورد استفاده قرار گرفته است. اسفندیاری پایایی باز آزمایی این پرسشنامه را برای آزاد گذاری ۰/۶۹، برای استبدادی ۰/۷۷ و اقتدار منطقی ۰/۷۳ گزارش کرده است.

میزان پایایی این پرسشنامه به روش باز آزمایی ۰/۸۱ برای آزاد گذاری ۰/۸۵ برای استبدادی ۰/۹۲ برای اقتدار منطقی پدران گزارش شده است (بوری، ۱۹۹۱). همچنین وی در مورد اعتبار پرسشنامه نتایج

زیر را گزارش کرده است: مستبد بودن پدر رابطه معکوس با آزاد گذاری (۰/۵۰) و اقتدار (۰/۵۲) منطقی او دارد.

در این پژوهش با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ پایایی برای کل پرسشنامه فرزند پروری ۰/۹۰ و برای زیر مجموعه‌ها به ترتیب آزاد گذاری ۰/۸۰، استبدادی ۰/۸۶ و برای اقتدار منطقی ۰/۹۳ به دست آمده است.

پرسشنامه هوش هیجانی بار-آن (EQ-i):

در این پژوهش برای گردآوری داده‌های هوش از هوش هیجانی بار-آن (۱۹۹۷) استفاده شده است. این آزمون دارای ۹۰ ماده و ۱۵ مقیاس می‌باشد.

شموعی (۱۳۷۹) اعتبار این آزمون را از طریق محاسبه آلفای کرونباخ برای دانشجویان پسر ۰/۷۴ و برای دانشجویان دختر ۰/۶۸ و برای کل افراد ۰/۹۳ گزارش کرد و روایی محتوایی آن بر پایه نظر پنج تن از متخصصان روانشناسی تایید نمود.

گل پرور، آقایی و خاکسار (۱۳۸۴) رابطه بین این پرسشنامه با فرم مصاحبه ساخت دار در هیجان‌ها را در سطح $P < 0.001$ معنادار گزارش کرده‌اند.

در این پژوهش با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ پایایی پرسشنامه هوش هیجانی ۰/۸۷ بدست آمده است.

پرسشنامه سازگاری بل: پرسشنامه

سازگاری در سال ۱۹۶۱ توسط بل تدوین شد. فرم بزرگسالان پرسشنامه سازگاری بل پنج سطح اندازه‌گیری جداگانه سازگاری شخصی و اجتماعی را در بر می‌گیرد و در این پژوهش از مقیاس سازگاری اجتماعی پرسشنامه سازگاری بل استفاده شده است. در مقیاس سازگاری اجتماعی نمره بالا نشانگر دوری و کناره‌گیری از تماس‌های اجتماعی و تسلیم در برابر آن معرفی می‌شوند و افرادی که نمره کم احراز می‌کنند، در تماس‌های اجتماعی حالت

دو گروه کاملاً متفاوت را نشان می‌دهد. دوم اینکه پرسشنامه در نتیجه تلاش‌های متخصصین مشاوره با بزرگسالان مبنی بر انتخاب گروه‌هایی از افراد بدست آمده است که در محدوده بسیار خوب و بسیار ضعیف سازگاری داشته‌اند و همچنین تعیین حدودی که پرسشنامه می‌تواند در بین آن‌ها تمایز ایجاد کند. اعتباریابی این پرسشنامه در ایران بوسیله علی دلاور برای جامعه جانبازان ورزشکار ایران استاندارد شده است، همچنین توسط آقامحمدیان شعرباف مورد مطالعه قرار گرفته که به نتایج مشابه سازنده دست یافته است (محمدیان شعرباف، ۱۳۷۴). در این پژوهش با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ پایایی پرسشنامه ۷۸٪ بدست آمده است.

پرخاشگری دارند. اعتبار پرسشنامه بل (تعداد=۸۴) در سازگاری اجتماعی ۰/۸۸ می‌باشد. این ضریب بوسیله روش همبستگی موارد فرد-زوج و استفاده از فرمول پیشگویی اسپیرمن-براون تعیین شده است، آزمودنی‌ها عبارت بودند از زنان و مردان شاغل در محدوده سنی ۲۳ تا ۲۸ سال. روایی این پرسشنامه از دو راه بدست آمده است: نخست، عبارات هر یک از بخش‌های پرسشنامه، در محدوده‌ای انتخاب شدند که اختلاف آن‌ها، بین ۵۰ درصد بالایی و پایینی در توزیع نمرات بزرگسال مشهود باشد، بنابراین در این فرم پرسشنامه، تنها مواردی آورده شده‌اند که تمایز صریح این

یافته‌ها

جدول (۱) نتایج آزمون همبستگی متقابل سبک‌های فرزند پروری، هوش هیجانی و سازگاری اجتماعی					
متغیرها	آزادگذاری	استبدادی	اقتدار منطقی	هوش هیجانی	سازگاری اجتماعی
آزادگذاری	-	۰/۵۳۳	۰/۷۴۶	۰/۲۵۲	-۰/۲۳۶
استبدادی	۰/۵۳۳	-	-۰/۱۳۵	-۰/۳۰	-۰/۳۲۷
اقتدار منطقی	۰/۷۴۶	-۰/۱۳۵	-	۰/۵۰۸	-۰/۵۵۴
فرزند پروری	-	-	-	-	-۰/۲۵۶
هوش هیجانی	-	-	-	-	-۰/۵۲۱

فرضیه اصلی پژوهش مبنی بر اینکه بین سبک‌های فرزند پروری ادراک شده و هوش هیجانی با سازگاری اجتماعی در دانش‌آموزان پسر سال سوم مقطع متوسطه رابطه وجود دارد مورد بررسی قرار گرفت. بدین منظور از آزمون‌های ضریب همبستگی پیرسون و رگرسیون چندگانه با روش گام به گام استفاده شد. نتایج آزمون ضریب همبستگی پیرسون نشان داد بین سبک آزادگذاری و سازگاری اجتماعی رابطه معناداری وجود دارد. با توجه به میزان ضریب همبستگی (۰/۲۳۶-) این رابطه منفی است یعنی با افزایش نمره سبک آزادگذاری نمره سازگاری اجتماعی کاهش می‌یابد.

همچنین نتایج آزمون ضریب همبستگی پیرسون نشان می‌دهد بین سبک استبدادی و سازگاری اجتماعی رابطه‌ی معناداری وجود دارد. با توجه به میزان ضریب همبستگی (۰/۳۲۷-) این رابطه مثبت است یعنی با افزایش نمره سبک استبدادی نمره سازگاری اجتماعی افزایش می‌یابد.

نتایج آزمون ضریب همبستگی پیرسون نشان می‌دهد بین سبک اقتدار منطقی و سازگاری اجتماعی رابطه وجود دارد. با توجه به میزان ضریب همبستگی (۰/۵۵۴-) این رابطه منفی است یعنی با افزایش نمره سبک اقتدار منطقی نمره سازگاری اجتماعی کاهش می‌یابد.

نتایج آزمون ضریب همبستگی پیرسون نشان می‌دهد بین سبک‌های فرزند پروری و سازگاری اجتماعی رابطه وجود دارد. با توجه به میزان ضریب همبستگی (۰/۲۵۶-) این رابطه منفی است یعنی با افزایش نمره سبک‌های فرزندپروری نمره سازگاری اجتماعی کاهش می‌یابد.

نتایج آزمون ضریب همبستگی پیرسون نشان می‌دهد بین هوش هیجانی و سازگاری اجتماعی رابطه وجود دارد. با توجه به میزان ضریب همبستگی (۰/۵۲۱-) این رابطه منفی است یعنی با افزایش نمره هوش هیجانی نمره سازگاری اجتماعی کاهش می‌یابد.

لازم به ذکر است که ضرایب همبستگی محاسبه شده در سطح اطمینان ۹۹ درصد معنادار است.

پیش‌بینی متغیر ملاک سازگاری اجتماعی را دارد. همینطور در مدل دوم F محاسب شده متغیرهای هوش هیجانی و سبک فرزندپروری معنادار است لذا با ۹۹ درصد اطمینان نتیجه گرفته می‌شود بین متغیرهای هوش هیجانی و سبک فرزندپروری با سازگاری اجتماعی رابطه وجود دارد و متغیرهای پیش‌بینی کننده هوش هیجانی و سبک فرزندپروری نیز قدرت پیش‌بینی متغیر ملاک سازگاری اجتماعی را دارند.

با توجه به نتایج جدول (۴)، t محاسبه شده برای بررسی معناداری شیب خط رگرسیون (B) برای متغیر هوش هیجانی در سطح (۰/۰۰۰) معنی دار است بنابراین قدرت پیش‌بینی هوش هیجانی برای سازگاری اجتماعی از لحاظ آماری معنادار است. همچنین t محاسبه شده برای بررسی معناداری شیب خط رگرسیون (B) برای متغیر فرزندپروری در سطح (۰/۰۲۰) معنی دار است بنابراین قدرت پیش‌بینی فرزندپروری برای سازگاری اجتماعی از لحاظ آماری معنادار است.

متغیرهای پیش‌بینی کننده فرزند پروری و هوش هیجانی با دو مدل وارد معادله رگرسیون شدند. در مدل اول متغیر هوش هیجانی وارد معادله شد، و معادله به صورت زیر تنظیم گردیده است:

$$Y = a + b_1 x_1$$

با جایگزینی مقادیر جدول (۴) معادله در مدل اول به صورت زیر خواهد بود:

$$= \text{سازگاری اجتماعی}$$

$$\text{هوش هیجانی } (-0/135) + 38/448$$

با توجه به نتایج جدول (۴) و با توجه به مدل گام به گام متغیر هوش هیجانی به عنوان موثرترین متغیر در سازگاری اجتماعی وارد معادله رگرسیون شده است و توانسته به میزان (۵۲/۱-) درصد تغییرات متغیر ملاک (سازگاری اجتماعی) را پیش‌بینی کند و در حالیکه یک واحد تغییر در انحراف

برای بررسی بیشتر در رابطه با فرضیه اصلی پژوهش از روش رگرسیون چند متغیر نیز استفاده شده است. روش گام به گام به دو حالت مورد استفاده قرار گرفت. حالت اول در بردارنده متغیر سبک فرزند پروری، هوش هیجانی و سازگاری اجتماعی است و در حالت دوم در بردارنده متغیرهای آزادگذاری، استبدادی، اقتدار منطقی، هوش هیجانی و سازگاری اجتماعی است.

حالت اول: چنانچه در جدول (۲) دیده می‌شود، در تحلیل رگرسیون گام به گام در مجموع طی دو مرحله، دو متغیر سبک فرزند پروری و هوش هیجانی با سازگاری اجتماعی دارای همبستگی چندگانه بودند. بر اساس ترتیب اهمیت متغیرهای پیش‌بین در تحلیل رگرسیون، در اولین گام هوش هیجانی با سازگاری اجتماعی دارای ضریب همبستگی چندگانه به مقدار ۰/۵۲۱ بود. در گام دوم با اضافه شدن متغیر سبک فرزندپروری ضریب همبستگی چندگانه به ۰/۵۳۷ رسید. میزان ضریب همبستگی افزوده شده برای سبک فرزندپروری ۰/۱۶ است. در مجموع این دو متغیر قادر به تبیین ۲۸/۸ درصد واریانس سازگاری اجتماعی بوده‌اند که ۲۷/۱ درصد مربوط به هوش

جدول (۲) رگرسیون گام به گام متغیرهای فرزند پروری، هوش هیجانی، سازگاری اجتماعی

مدل	متغیرها	R	R ²	A R ²	خطای استاندارد
اول	هوش هیجانی	۰/۵۲۱	۰/۲۷۱	۰/۲۶۸	۲/۴۰
دوم	هوش هیجانی، فرزند پروری	۰/۵۳۷	۰/۲۸۸	۰/۲۸۲	۲/۳۸

هیجانی و ۱/۷ درصد مربوط به سبک فرزند پروری می‌باشد. با توجه به نتایج به دست آمده از آزمون تحلیل واریانس که در جدول (۳) نشان داده شده است، به دلیل اینکه مقدار F محاسبه شده متغیر هوش هیجانی معنادار است بنابراین با ۹۹ درصد اطمینان نتیجه گرفته می‌شود که بین متغیر هوش هیجانی با سازگاری اجتماعی رابطه وجود دارد و متغیر پیش‌بینی کننده هوش هیجانی قدرت

جدول (۳) تحلیل واریانس رگرسیون گام به گام برای پیش‌بینی سازگاری اجتماعی

منبع تغییرات	مجموع مجزورات	درجه آزادی	میانگین مجزورات	آزمون F	سطح معناداری
رگرسیون هوش هیجانی	۴۹۱/۶۵۸	۱	۴۹۱/۶۵۸	۸۴/۷۴۶	۰/۰۰۰
باقی مانده	۱۳۲۲/۷۵۶	۲۲۸	۵/۸۰۲		
جمع	۱۸۱۴/۴۱۴	۲۲۹			
رگرسیون هوش هیجانی، فرزند پروری	۵۲۳/۰۷۲	۲	۲۶۱/۵۳۶	۴۵/۹۷۴	۰/۰۰۰
باقی مانده	۱۲۹۱/۳۴۲	۲۲۷	۵/۶۸۹		
جمع	۱۸۱۴/۴۱۴	۲۲۹			

جدول (۴) ضرایب رگرسیون متغیرها در مدل‌های گام به گام

مدل	متغیرها	ضریب شیب خط رگرسیون	خطای معیار	ضریب استاندارد	آزمون T	سطح معناداری
اول	مقدار ثابت	۳۴/۴۴۸	۲/۱۸۵		۱۷/۵۹۸	۰/۰۰۰
	هوش هیجانی	-۰/۱۳۵	۰/۰۱۵	-۰/۵۲۱	-۹/۳۰۶	۰/۰۰۰
دوم	مقدار ثابت	۴۰/۵۶۴	۲/۳۴۳		۱۷/۳۱۱	۰/۰۰۰
	هوش هیجانی	-۰/۱۲۷	۰/۰۱۵	-۰/۴۸۷	-۸/۴۳۰	۰/۰۰۰
	فرزند پروری	-۰/۰۲۹	۰/۰۱۶	-۰/۱۳۶	-۲/۳۵۰	۰/۰۲۰

افزوده شده برای سبک آزادگذاری (۰/۰۱۵) بوده است. در مجموع این سه متغیر قادر به تبیین (۴۲/۹) درصد واریانس سازگاری اجتماعی بوده‌اند که (۳۰/۷) درصد مربوط به سبک اقتدار منطقی و (۷/۷) درصد مربوط به هوش هیجانی و (۴/۵) درصد مربوط به سبک آزادگذاری بوده است.

با توجه به نتایج به دست آمده از آزمون تحلیل واریانس که در جدول (۶) نشان داده شده است، به دلیل اینکه مقدار F محاسبه شده

جدول (۵) رگرسیون گام به گام متغیرهای آزادگذاری، استبدادی، اقتدار منطقی، هوش هیجانی، سازگاری اجتماعی				
مدل	متغیرها	R	R ²	AR ²
اول	اقتدار منطقی	۰/۵۵۴	۰/۳۰۷	۰/۳۰۴
دوم	اقتدار منطقی، هوش هیجانی	۰/۶۲۰	۰/۳۸۴	۰/۳۷۹
سوم	اقتدار منطقی، هوش هیجانی، آزادگذاری	۰/۶۵۵	۰/۴۲۹	۰/۴۲۱

متغیر سبک اقتدار منطقی معنادار است بنابراین با ۹۹ درصد اطمینان نتیجه گرفته می‌شود که بین متغیر اقتدار منطقی با سازگاری اجتماعی رابطه وجود دارد و متغیر پیش‌بینی کننده اقتدار منطقی قدرت پیش بینی متغیر ملاک سازگاری اجتماعی را دارد. همینطور در مدل دوم F محاسب شده متغیرهای اقتدار منطقی و هوش هیجانی معنادار است لذا با ۹۹ درصد اطمینان نتیجه گرفته می‌شود بین متغیرهای اقتدار منطقی و هوش هیجانی با سازگاری اجتماعی رابطه وجود دارد و متغیرهای پیش‌بینی کننده اقتدار منطقی و هوش هیجانی قدرت پیش‌بینی متغیر ملاک سازگاری اجتماعی را دارند. و در مدل سوم F محاسبه شده متغیرهای اقتدار منطقی، هوش هیجانی و آزادگذاری معنادار است لذا با ۹۹ درصد اطمینان نتیجه گرفته می‌شود بین متغیرهای اقتدار منطقی، هوش هیجانی و آزادگذاری با سازگاری اجتماعی رابطه وجود دارد و متغیرهای پیش‌بینی کننده اقتدار منطقی، هوش هیجانی و اقتدار

جدول (۶) تحلیل واریانس رگرسیون گام به گام برای پیش بینی سازگاری اجتماعی				
منبع تغییرات	مجموع مجزورات	درجه آزادی	میانگین مجزورات	آزمون F
رگرسیون سبک اقتدار منطقی	۵۵۷/۸۱۳	۱	۵۵۷/۸۱۳	۱۰۱/۳۱۱
باقی مانده	۱۲۵۶/۶۰۱	۲۲۸	۵/۵۱۱	
جمع	۱۸۱۴/۴۱۴	۲۲۹		
رگرسیون اقتدار منطقی، هوش هیجانی	۶۹۷/۲۱۰	۲	۳۴۸/۶۰۵	۷۰/۸۳۲
باقی مانده	۱۱۱۷/۲۰۳	۲۲۷	۴/۹۲۲	
جمع	۱۸۱۴/۴۱۴	۲۲۹		
رگرسیون اقتدار منطقی، هوش هیجانی، آزادگذاری	۷۷۷/۳۳۱	۳	۲۵۹/۲۴۴	۵۶/۵۱۶
باقی مانده	۱۰۳۶/۶۸۳	۲۲۶	۴/۵۸۷	
جمع	۱۸۱۴/۴۱۴	۲۲۹		

منطقی قدرت پیش‌بینی متغیر ملاک سازگاری اجتماعی را دارند. با توجه به نتایج جدول (۷)، t محاسبه شده برای بررسی معناداری شیب خط رگرسیون (B) برای متغیر اقتدار منطقی در سطح (۰/۰۰۰) معنی دار است بنابراین قدرت پیش‌بینی اقتدار منطقی برای سازگاری اجتماعی از لحاظ آماری معنادار است. همچنین t محاسبه شده برای بررسی معناداری شیب خط رگرسیون (B)

استاندارد متغیر هوش هیجانی باعث می‌شود تا انحراف استاندارد متغیر ملاک سازگاری اجتماعی به میزان (۰/۰۱۵) تغییر نماید. در مدل دوم متغیر (هوش هیجانی، سبک فرزند پروری) وارد معادله شده، و معادله به صورت زیر تنظیم گردیده است:

$$Y = a + b_1x_1 + b_2x_2$$

با جایگزینی مقادیر جدول (۴) معادله در مدل دوم به صورت زیر خواهد بود:

$$= \text{سازگاری اجتماعی}$$

$$\text{هوش هیجانی (۰/۱۲۷)} - ۴۰/۵۶۴ - \text{سبک فرزندپروری (۰/۰۳۹)} -$$

با توجه به نتایج جدول (۴) و با توجه به مدل گام به گام، در مدل دوم معادله رگرسیون متغیر سبک فرزندپروری توانسته به میزان (۱۳/۶-) درصد تغییرات متغیر ملاک (سازگاری اجتماعی) را پیش‌بینی کند و در حالیکه یک واحد تغییر در انحراف استاندارد متغیر سبک فرزند پروری باعث می‌شود تا انحراف استاندارد متغیر ملاک سازگاری اجتماعی به میزان (۰/۰۱۶) تغییر نماید.

حالت دوم: چنانچه در جدول (۵) دیده می‌شود، در تحلیل رگرسیون گام به گام در مجموع طی سه مرحله، سه متغیر سبک اقتدار منطقی، هوش هیجانی و سبک آزادگذاری با سازگاری اجتماعی دارای همبستگی چندگانه بودند. بر اساس ترتیب اهمیت متغیرهای پیش‌بین در تحلیل رگرسیون، در اولین گام سبک اقتدار منطقی با سازگاری اجتماعی دارای ضریب همبستگی چندگانه به مقدار (۰/۵۵۴) بوده است. در گام دوم با اضافه شدن متغیر هوش هیجانی ضریب همبستگی چندگانه به (۰/۶۲۰) رسیده است میزان ضریب همبستگی افزوده شده برای هوش هیجانی (۰/۰۶۶) بوده است و در گام سوم با اضافه شدن متغیر سبک آزادگذاری ضریب همبستگی چندگانه به (۰/۶۵۵) رسیده است و میزان ضریب همبستگی

دوم معادله رگرسیون متغیر هوش هیجانی توانسته به میزان (۳۲/۲-) درصد تغییرات متغیر ملاک (سازگاری اجتماعی) را پیش‌بینی کند و در حالیکه یک واحد تغییر در انحراف استاندارد متغیر هوش هیجانی باعث می‌شود تا انحراف استاندارد متغیر ملاک سازگاری اجتماعی به میزان (۰/۱۶) تغییر نماید.

در مدل سوم متغیر (سبک اقتدار منطقی، هوش هیجانی و سبک آزادگذاری) وارد معادله شده، و معادله به صورت زیر تنظیم گردیده است:

$$Y=a+b_1x_1+b_2x_2+b_3x_3$$

با جایگزینی مقادیر جدول (۷) معادله در مدل سوم به صورت زیر خواهد بود:

= سازگاری اجتماعی

$$۳۰/۴۶۱ - (۰/۳۲۸) \text{ اقتدار منطقی}$$

هوش هیجانی (۰/۰۶۹) -

+ آزادگذاری (۰/۲۷۷)

با توجه به نتایج جدول (۷) و با توجه به مدل گام به گام، در مدل سوم معادله رگرسیون متغیر آزادگذاری توانسته به میزان (۳۲/۵) درصد تغییرات متغیر ملاک (سازگاری اجتماعی) را پیش‌بینی کند و در حالیکه یک واحد تغییر در انحراف استاندارد متغیر آزادگذاری باعث می‌شود تا انحراف استاندارد متغیر ملاک سازگاری اجتماعی به میزان (۰/۰۶۶) تغییر نماید.

برای متغیر هوش هیجانی در سطح (۰/۰۰۰) معنی‌دار است بنابر این قدرت پیش‌بینی هوش هیجانی برای سازگاری اجتماعی از لحاظ آماری معنادار است. همچنین محاسبه شده برای بررسی معناداری شیب خط رگرسیون (B) برای متغیر آزادگذاری در سطح (۰/۰۰۰) معنی‌دار است بنابر این قدرت پیش‌بینی آزادگذاری برای سازگاری اجتماعی از لحاظ آماری معنادار است. متغیرهای پیش‌بینی کننده اقتدار منطقی، هوش هیجانی و آزادگذاری با سه مدل وارد معادله رگرسیون شدند.

جدول (۷) ضرایب رگرسیون متغیرها در مدل‌های گام به گام					
مدل	متغیرها	ضریب شیب خط رگرسیون	خطای معیار	ضریب استاندارد	آزمون T معناداری
اول	مقدار ثابت	۲۶/۷۰۶	۰/۸۴۱		۳۱/۷۴۹
	اقتدار منطقی	-۰/۲۷۵	۰/۰۲۷	-۰/۵۵۴	-۱۰/۰۶۰
دوم	مقدار ثابت	۳۶/۶۵۵	۲/۰۳۱		۱۸/۰۴۵
	اقتدار منطقی	-۰/۱۹۴	۰/۰۳۰	-۰/۳۹۱	-۶/۴۶۳
سوم	هوش هیجانی	-۰/۰۸۴	۰/۰۱۶	-۰/۳۲۲	-۵/۳۲۲
	مقدار ثابت	۳۰/۴۶۱	۲/۴۵۶		۱۲/۴۰۳
	اقتدار منطقی	-۰/۳۲۸	۰/۰۴۳	-۰/۶۶۲	-۷/۵۹۶
	هوش هیجانی	-۰/۰۶۹	۰/۰۱۶	-۰/۲۶۶	-۴/۴۴۰
	آزادگذاری	۰/۲۷۷	۰/۰۶۶	۰/۳۲۵	۴/۱۹۰

در مدل اول متغیر اقتدار منطقی وارد معادله شده، و معادله به صورت زیر تنظیم گردیده است:

$$Y=a+b_1x_1$$

با جایگزینی مقادیر جدول (۷) معادله در مدل اول به این صورت خواهد بود:

$$\text{اقتدار منطقی } (۰/۲۷۵) - ۲۶/۷۰۶ = \text{سازگاری اجتماعی}$$

با توجه به نتایج جدول (۷) و با توجه به مدل گام به گام متغیر اقتدار منطقی به عنوان موثرترین متغیر در سازگاری اجتماعی وارد معادله رگرسیون شده است و توانسته به میزان (۵۵/۴-) درصد تغییرات متغیر ملاک (سازگاری اجتماعی) را پیش‌بینی کند و در حالیکه یک واحد تغییر در انحراف استاندارد متغیر اقتدار منطقی باعث می‌شود تا انحراف استاندارد متغیر ملاک سازگاری اجتماعی به میزان (۰/۰۲۷) تغییر نماید.

در مدل دوم متغیر (سبک اقتدار منطقی، هوش هیجانی) وارد معادله شده، و معادله به صورت زیر تنظیم گردیده است:

$$Y=a+b_1x_1+b_2x_2$$

با جایگزینی مقادیر جدول (۷) معادله در مدل دوم به صورت زیر خواهد بود:

$$= \text{سازگاری اجتماعی}$$

$$\text{هوش هیجانی } (۰/۰۸۴) - \text{اقتدار منطقی } (۰/۱۹۴) - ۳۶/۶۵۵$$

با توجه به نتایج جدول (۷) و با توجه به مدل گام به گام، در مدل

بحث و نتیجه گیری

ویژگی والدین مقتدر این است که معمولاً فرزندان با محبت هستند و با آنها رابطه گرم و صمیمی دارند این والدین ضمن کنترل منطقی فرزندانشان از آنان توقع رفتار عادلانه و منطقی دارند هرچند این گونه والدین به استدلال و تصمیمات فرزندان خود احترام می‌گذارند اما به طور کلی در موضع خود محکم می‌ایستند و دلایل قاطعانه‌ای در مورد راهنمایی‌های خود ارائه می‌دهند. این سبک در مقابل دو سبک دیگر (استبدادی و سهل‌انگارانه) بدون شک باعث بالاتر رفتن سازگاری اجتماعی در فرزندان می‌شود. تحقیقات همچنین نشان می‌دهد که هوش هیجانی قابل آموزش است و با آموزش صحیح می‌توان شناخت افراد نسبت به هیجانات خود و دیگران را افزایش داد و به آنها آموخت که چگونه هیجانات خود و اطرافیان خویش را در شرایط بحرانی کنترل کنند و حتی چگونه رفتار کنند تا شرایط بحرانی هیجانی پیش نیاید و شیوه‌های همدلی که کلید بسیاری از این مشکلاتند کدام است؟ افراد از روش‌ها و فنون متعددی برای تنظیم خلق و خو استفاده می‌کنند که از آن طریق بتوانند هیجان‌های دیگران را کنترل کنند. روش فعالانه تنظیم خلق شامل ترکیبی از آرام سازی، کنترل استرس، تلاش‌های شناختی و ورزش ممکن است مؤثرترین روش‌ها برای تعیین خلق منفی باشد. از جمله عوامل مؤثر در داشتن سازگاری اجتماعی مناسب، بالابودن سطح هوش هیجانی است که خود از تعامل خوب والد-کودک نشأت می‌گیرد. یکی از راه‌های مؤثر در افزایش سطح هوش هیجانی ایجاد یک محیط امن عاطفی است به گونه‌ای که کودک بتواند آزادی و اطمینان خاطر درباره‌ی احساساتش با والدین گفتگو کنند. نوع انضباط والدین (سختگیرانه یا همدلی) در شکل‌گیری سازگاری کودک بسیار مؤثر است. تحقیقات مختلف روانشناسی در رویکردها و مکاتب مختلف آن، تأثیرپذیری سال‌های نخستین زندگی را مورد تأکید قرار می‌دهند. از طرفی آموزش هوش هیجانی از همان لحظات اولیه زندگی شروع می‌شود. کودکان در سال‌های اولیه زندگی برخورد متفاوتی از سوی والدین فرد خواهند دید، گروهی از مادران در مقابل گریه کودک با ترشی واکنش نشان می‌دهند و گروهی دیگر با گرمی و نوازش به او شیر می‌دهند و او را با واکنشی گرم در آغوش می‌گیرند. تحقیقات متعددی نشان داده است، که این دو کودک در ماه‌های بعد، اثرات این رفتارها را در سازگاری با اجتماع بروز خواهند داد. تفاوت در دیدگاه‌های احساسی، هیجانی و عاطفی، اغلب ریشه در کودک‌کی افراد و روابط آنان با والدین خود و نوع تربیت احساسی و عاطفی که به صورت سنتی برای دختران و پسران اعمال می‌شود، دارد. بنابراین با ارائه تدابیر و راهکارهایی در زمینه افزایش هوش هیجانی و استفاده از سبک‌های درست فرزندپروری می‌توان از بسیاری از آسیب‌های اجتماعی جلوگیری کرد. با توجه به مطالب فوق می‌توان نتیجه گرفت که بین سبک فرزندپروری ادراک شده و هوش هیجانی با سازگاری اجتماعی رابطه وجود دارد.

منابع

References:

- Bar-On, R. Emotional and social intelligence insight from the emotional a valiant inventory (EQ-1). In: R Bar-On, J D A. Parker. Editors, Handbook Of emotional intelligence. Sanfrenscisco: Jossy-Bass: 1996. PP. 363- 388.
- Esfandiari, A. (1994). Check parenting styles of mothers of children with behavioral problems and mothers of normal children and the impact of parental education on children's behavioral disorders.
- Goleman, Daniel (1995). Emotional intelligence what it can matter then IQ. New York: Bantam books.
- Goleman, Daniel (1998). Working with emotional intelligence. New York: Bantam books
- Golparvar, m., Aghaye, A, khaksar, p. (2004). Relationship between emotional intelligence and its components with job Pyshrftgrayy between workers and industries. Knowledge and research in psychology
- Khodiyari fard, m. (2010). Investigate the factors affecting students' social adjustment Shahed and non Shahed. Research projects Institute of Psychology and Educational Sciences. Master's thesis, Tehran Psychiatric Institute.
- Lyusin, D. B. (2006). Emotional intelligence as a mixed construct. Journal of Russian and East European Psychology, 44 (6), 54-68.

Masn, Paul Henry, growth and personality of the child, translation Mahshid Yasayy (2001), Seventh Edition, Tehran: publishing center.

Mayer. I. D. & Salovey, P. (1990). Emotional intelligence. *Imagination, cognition and personality*, 9, 185-211.

Ryan M R, Deci L E. Self-Determination Theory and the Facilitation of Intrinsic Motivation, Social Development, and Well-Being. *Ame Psych* 2000; 55: 68-78.

Saarni, C (1999). *Developing emotional competence*. NewYork: Guilford press.